

پیوند همه گروه‌ها و آحاد جامعه بشود، فرآیند انسجام است و به حق جامعه برمی‌گردد. وقتی سخن از حقوق شهروندی می‌گوییم با چند نوع چالش روبه‌رو هستیم. یکی همان حق تفکیک و بحث همبستگی و انسجام اجتماعی است. یکی از چالش‌های دیگر این است که ما عملاً می‌بینیم که گروه‌های مختلف اجتماعی، حس تعلق یکسان به اجتماع سیاسی واحدی ندارند. چالش دیگری که الان مطرح است، چالش جهانی شدن است. ایشان می‌گوید، علاوه بر این یک سری چالش‌های مفهومی هم وجود دارد که با عنایت به دسته‌بندی‌های مختلف، به اختصار به آن می‌پردازیم. قی اچ مارشال به سه حق اشاره می‌کند و نگاه نسبتاً جامعی دارد؛ حق مدنی، حق سیاسی و حق اجتماعی، چند چالش مفهومی عمده وجود دارد، یکی این‌که دقیقاً تعریف عناصر مدنی، سیاسی و اجتماعی روشن نیست. و چالش آخر، بحث عام‌گرایا و خاص‌گرایا بودن حق شهروندی است.

گزارش مژ: حسین احمدی

## رویکرد جدید آلتون به معرفت‌شناسی باور

محمدعلی مبینی

فصل‌نامه نقدونظر، ش ۲۵-۲۶، بهار و تابستان ۸۶

بحث از توجیه باور همواره با این فرض همراه بوده است که ویژگی واحد و برجسته‌ای با عنوان «موجه بودن» وجود دارد، در صورتی که باور متصف به آن شود؛ از جایگاه معرفتی ممتازی برخوردار می‌شود و گمان براین بوده است که همه مباحث و اختلاف نظرهای معرفت‌شناسان درباره توجیه، ناظر به همین ویژگی واحد بوده است.

آلتون نیز که تا مدت زیادی رویکردی وحدت‌گرایانه به توجیه داشته است، اخیراً به مخالفت با این رویکرد پرداخته و به این نتیجه می‌رسد که نباید به دنبال یک ویژگی معرفتی مثبت و اساسی برای «باور» گشت و از آن با عنوان «موجه بودن» یاد کرد؛ بلکه به عقیده او، مابا ویژگی‌های متعددی روبه‌رو هستیم که هر کدام از آنها می‌توانند وضعیت معرفتی مثبتی را برای «باور» فراهم آورند. از این‌رو آلتون «معرفت‌شناسی باور» را بر مبنای یک رویکرد کثرت‌گرایانه در باب مطلوب‌های معرفتی پیشنهاد می‌کند. البته این به آن معنا نیست که تلاش‌های پیشین آلتون و بسیاری از معرفت‌شناسان که در باب توجیه کار کرده‌اند بدون ارزش شده باشند؛ بلکه او در این رویکرد جدید، بسیاری از نتایجی که او و دیگران پیش از این، در باب توجیه به دست آورده‌اند، بهره می‌گیرد و آنها را به آسانی در قالب «مطلوب‌های معرفتی» ارائه می‌کند. به عقیده او، باور قابلیت اتصاف به مطلوب‌های معرفتی متعدد دارد به گونه‌ای که هر کدام از این مطلوب‌های معرفتی در جای خود مهم‌اند و هیچ کدام از آنها از موقعیت ممتاز و منحصر به فردی نسبت به سایرین برخوردار نیست. بنابراین، در معرفت‌شناسی باور باید از مطلوب‌های معرفتی گوناگون سخن بگوییم؛ ماهیت هر کدام را

بررسی کنیم، اهمیت نظری و عملی آنها را در زندگی جست‌وجو کنیم، میزان دسترس پذیری هر کدام را برای انسان بیابیم و در نهایت از روابط میان آنها پرده برداریم.

آلستون در کتاب جدیدش به نام فراسوی توجیه به تفصیل، دربارهٔ رویکرد در باب معرفت‌شناسی باور بحث و گفت‌وگو کرده است. وی در این کتاب با رویکرد وحدت‌گرا مخالفت کرده و به سود رویکردی کثرت‌گرا در معرفت‌شناسی باور استدلال دارد. محرک آلستون در این رویکرد کثرت‌گرایانه، وجود اختلاف‌های بسیار میان معرفت‌شناسان در بیان ماهیت و شرایط توجیه است. البته آلستون توجه دارد که معمولاً مسائلی فلسفی، بسیار اختلاف برانگیزند و در اینجا صرف وجود اختلاف بر سر مسأله توجیه، دلیل بر عدم وجود یک ویژگی غیراساسی برای باور، که از آن با عنوان «موجه بودن» یاد می‌شود، نیست. با این حال آلستون، بر اساس دلایلی که مطرح می‌کند ترجیح می‌دهد وجود این میزان اختلاف را در مسأله توجیه، ناشی از عدم وجود ویژگی واحد برجسته‌ای به نام «موجه بودن» برای باور بدانند. به اعتقاد او، کسانی که به دنبال چنین ویژگی محوری برای باور بوده‌اند، در واقع به دنبال یک چیز خیالی گشته‌اند که هرگز واقعیت نداشته است. بنابراین همان طور که اشاره شد بر اساس رویکرد جدید آلستون، معرفت‌شناسی باور، یک معرفت‌شناسی کثرت‌گرایانه است که در آن از مطلوب‌های معرفتی بحث می‌شود. این بحث‌ها، به عقیدهٔ آلستون، تحت چهار سرفصل کلی قابل طرح‌اند که عبارت‌اند از:

۱. ماهیت مطلوب‌های معرفتی؛ در اینجا باید به پرسش‌هایی از این دست پاسخ داد: کافی بودن مبانی و دلایل، برای یک باور، به چه چیزی است؟ چگونه مجموعه‌ای از قرائن یک باور خاص را تأیید می‌کنند و اصول حاکم بر تأیید چیست؟ چه چیزی باعث می‌شود بگوییم که یک باور بر مبنای خاصی مبتنی است؟ وقتی گفته می‌شود که چیزی موجب احتمال یک «باور» می‌شود، احتمال را چگونه باید فهمید؟ منظور از اعتماد‌پذیری شیوه‌های شکل‌گیری باور چیست؟ استنجام نظام باورها به چه معناست؟ و...

۲. امکان‌پذیری مطلوب‌های معرفتی؛ پرسشی که اینجا مطرح است این که هر کدام از مطلوب‌های معرفتی، تا چه اندازه برای انسان دست‌یافتنی هستند؛ برای مثال، آیا انسان می‌تواند دست‌رسی شناختی کامل به مبانی باور داشته باشد؟ یا این که آیا جواز به «باور» تعلق می‌گیرد و می‌توان گفت انسان در داشتن «باور» مجاز است؟

۳. اهمیت مطلوب‌های معرفتی، در اینجا هم اهمیت عملی و هم اهمیت نظری این مطلوب‌های معرفتی برای حیات انسان بررسی می‌شود.

۴. روابط متقابل مطلوب‌های معرفتی با یک دیگر؛ در این بحث به این پرسش پاسخ داده می‌شود که آیا می‌توان میان مطلوب‌های معرفتی گوناگون، ارتباطی نظام‌مند یافت، به گونه‌ای که یک مجموعهٔ ارگانیک را شکل دهند یا خیر.